

هنوز هم برای پذیرش بسته پیشنهادی ۱+۵ دیر نیست

دبیرکل نهضت آزادی ایران

۰۷ فروردین ۱۳۸۶

با تصویب سومین قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران و تشدید تحریم‌های بین‌المللی می‌رود که بحران اتمی ایران و جدال‌اش با جامعه‌ی بین‌الملل تشدید گردد. مقامات ایران این قطعنامه را غیرقانونی خوانده‌اند و آن را نمی‌پذیرند، ولی از نظر دکتر ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران، نمی‌توان غیرقانونی خواند، زیرا که شورای امنیت مشروعیت جهانی دارد

دوچپه‌وله: آقای دکتر یزدی، دومین قطعنامه‌ی تحریم ایران به تصویب رسید و مقامات جمهوری اسلامی ایران هم این قطعنامه را غیرقانونی قلمداد کردند. آیا این به این معناست که ایران یک گام دیگر به جنگ نزدیک شده؟ ابراهیم یزدی: بله. قطعنامه‌ی جدیدی که علیه ایران صادر شده، خب در راستای قطعنامه‌ی ۱۷۳۷ محدودیتها را تشدید و بیشتر کرده است. اما این به معنای اینکه گامی بسوی جنگ باشد نیست، بلکه گامی بسوی تشدید بحران است. یعنی بحران دارد آرام آرام می‌رود به سمت وسوی خاصی و احتمالاً ترمیم و حل آن را مشکلتر خواهد کرد. کما اینکه بعد از تصویب قطعنامه‌ی ۱۷۳۷ وقتی آقای البرداعی پیشنهاد «تعلیق در برابر تعلیق» را داد، نه آمریکا پذیرفت و نه ایران. درحالیکه پیشنهاد آقای البرداعی «تعلیق در برابر تعلیق» در واقع اجرای قطعنامه‌ی ۱۶۹۶ بود، برای اینکه در قطعنامه‌ی ۱۶۹۶ از ایران خواسته شده غنی‌سازی را متوقف بکند و هیچ نوع تناقضی در آن نبود. اما معذالک همان قطعنامه‌ی ۱۶۹۶ را آمریکایی‌ها نپذیرفتند. خب ایران هم قبلاً نپذیرفته بود. بنابراین آرام آرام می‌رود به سمت و سوی جدی‌شدن، قطعی‌شدن و تشدید، و برخلاف انتظاری که بعضی‌ها داشتند که در این شورا ممکن است بعضی‌ها رأی ندهند، ما می‌بینیم که همچنان به اتفاق آرا تصویب شده است. یعنی در واقع یک اجماع جهانی وجود دارد، مبنی بر اینکه ایران باید غنی‌سازی را متوقف بکند. حالا اگر ایران در این شرایط بخواهد بگوید بسیار خوب من می‌پذیرم، با مشکل دیگری روبه‌روست و آن این است که شورای امنیت نمی‌آید قطعنامه‌ی خودش را لغو بکند، سابقه نداشته، کمااینکه نظر آقای البرداعی را نپذیرفتند. بنابراین گامی بسوی جنگ نیست، گامی بسوی تشدید بحران است.

دوچپه‌وله: ولی این مرتبه هم، همانطور که شما گفتید، اعضای دائمی شورای امنیت به‌انضمام آلمان در مدتی خیلی کوتاه به توافق و اجماع رسیدند، حتا روسیه و چین هم اینبار به چانه‌زنی با کشورهای غربی دست نزدند. این نشانه‌ی چه هست؟

ابراهیم یزدی: این نشانه‌ی این است که در حال دیپلماسی ایرانی‌ها که بر گفت‌وگو تکیه می‌کنند و اصرار می‌ورزند، ناموفق بوده‌اند. ببینید، وقتی که قطعنامه‌ی ۱۷۳۷ تصویب شد، رییس جمهور محترم ایران در واکنش نه تنها گفت این یک «ورق پاره» است، بلکه گفت نوکران آمریکا به آن رأی داده‌اند. و هنگامیکه سخنگوی شورای عالی امنیت ملی ایران به چین سفر کرد، نخست وزیر چین به شدت برخورد کرد و گفت آیا ما حالا شده‌ایم نوکر آمریکا؟! ببینید، در دیپلماسی یک سلسله مناسبات اقتصادی و سیاسی حاکم است و بالاخره یک مقداری روانشناسی سیاسی هم هست. دور از فرزاندگی دیپلماسی است که رییس جمهوری کشوری به رأی‌دهندگان شورای امنیت بگوید اینها نوکران آمریکا بوده‌اند یا همینطور

دور از فرزاندگی سیاسی است که ما بگوییم اینها غیرقانونی عمل می‌کنند. بالاخره شورای امنیت، منشور سازمان ملل هست و طبق مقررات شورای امنیت یک وظایف و حق و حقوقی دارد و در چارچوب آن یک مصوبه‌ای دارد. ایران می‌تواند بگوید این مصوبه غیرعادلانه است و این مصوبه دقیق نیست، ولی نمی‌تواند بگوید این غیرقانونی است و حالا که شما غیرقانونی عمل کرده‌اید، پس من هم به خودم اجازه می‌دهم غیرقانونی عمل بکنم. خوب وقتی می‌گوید غیرقانونی عمل می‌کنم، معنایش این است که من هم تابع مقررات ام‌پی‌تی نخواهم بود و کارهایی که نباید بشود من خواهم کرد. خوب اینها یک مقداری دور از فرزاندگی است و نتیجه‌اش هم این می‌شود که نه تنها اجماع هست، بلکه امروز چین و روسیه هم بشدت موافقاند. همانطوری که در مورد بوشهر ابتدا روسها بهانه آوردند که ایران پول نداده، ولی وقتی معلوم شد که نخیر پول هم داده‌اند و بیشتر هم داده‌اند و یک مقداری هم به یک شرکت ورشکسته‌ی روسی مبالغی پول داده شده است، صراحتاً روسها گفتند نخیر، تا وقتی که شما به این قطعنامه عمل نکنید و غنی‌سازی را متوقف نکنید، ما خودمان نمی‌آییم نیروگاه بوشهر را تمام بکنیم و سوخت هسته‌ای به شما بدهیم. بنابراین آرام آرام می‌رود به سمت و سویی که جهان هم نه تنها یکپارچه است، بلکه خیلی راحت می‌توانند علیه ایران تصمیم بگیرند.

دوچپه‌وله: حالا در مورد فضای داخل کشور. تا شش‌ماه یا یکسال پیش چنین وانمود می‌شد که در داخل کشور بسیاری نیروها، حتی نیروهای متخاصم و مخالف با هم، یک خواست مشترک دارند و آن تکنولوژی هسته‌ای است. به عبارت دیگر یک نوع "ناسیونالیسم اتمی" که آن را با ملی‌شدن صنعت نفت مقایسه می‌کردند. به نظر می‌آید که این فضا دیگر حاکم نیست، آیا این بیشتر تبلیغات بود یا واقعیت داشت؟

ابراهیم یزدی: هم تبلیغ بود هم واقعیت داشت. برای اینکه ما مطلب را در دو بعد یا از دو زاویه باید نگاه کنیم. یکی اینکه ایران عضو ام‌پی‌تی است و بر طبق مقررات ام‌پی‌تی هر کشوری مثل ایران حق دارد که به دنبال دستیابی به دانش و تکنولوژی فناوری هسته‌ای برود. این حق ماست و هر ایرانی از این حق دفاع می‌کند. اما اینکه آیا غنی‌سازی اورانیوم در حال حاضر تا چه اندازه با برنامه‌های هسته‌ای ایران هماهنگی دارد، برای یک کشوری که هنوز نیروگاه ندارد، حتی اگر چنانچه دولتهای دیگر هم نیایند با غنی‌سازی مخالفت بکنند، ایران اورانیوم را تلخیص بکند، مورد مصرف ندارد. بنابراین آنچه‌ای که امروز نیروهای ملی در ایران می‌گویند این است که آیا تا چه اندازه غنی‌سازی اورانیوم، نه دستاوردهای فنی و دانش هسته‌ای، این غنی‌سازی در راستای منافع ملی ما هست؟ اینجا بحث هست. اما در مقایسه‌اش با ملی‌شدن صنعت نفت به نظر ما قیاس مع‌الفارغ است، حتی اگر هم بخواهند شرایطی مشابه آزمون بوجود بیاورند، خواه‌ناخواه باید به بعضی دیگر از مسائلی که در آن دوره هم مطرح نبود توجه بکنند. در زمان مرحوم دکتر مصدق همه آزاد بودند اظهار نظر بکنند، حتی جریانی مثل حزب توده هم آزاد بود که بگوید: من هم با ملی‌شدن صنعت نفت مخالفم و خواستار لغو قرارداد هستم. اما اصولاً مسئله‌ی ملی‌کردن صنعت نفت که در داخل ایران بوده است و انگلستان در همه امور داخلی ما مانند دولت در دولت دخالت می‌کرده، با مسئله‌ی غنی‌سازی اورانیوم کاملاً متفاوت است.

دوچپه‌وله: حالا یک سوال در مورد تحریم‌ها علیه ایران. به نظر بسیاری کارشناسان تحریم‌های بین‌المللی هنوز چندان جدی نشده، به نظر می‌آید بشدت در اقتصاد ایران تأثیر منفی خودش را گذاشته است، آنهم بصورت موج بیکاری کارگران، عدم پرداخت حقوقشان، ورشکستگی یک رشته واحدهای صنعتی و تولیدی کشور. به نظر شما اقتصاد کشور دارد به کدام سمت و سویی می‌رود؟

ابراهیم یزدی: اینکه هنوز این تحریم‌ها به درستی به مرحله‌ی اجرا درنیامده است، اما در اقتصاد ایران اثر گذاشته، درست است. برای اینکه اثر تحریم‌ها در دو سطح قابل بررسی است. یک سطح تأثیرات روانشناختی است که وقتی این

تحریم‌ها تصویب می‌شوند صاحبان سرمایه بسرعت کشور را ترک می‌کنند و حرکت سرمایه به خارج از کشور خواهد بود. نه تنها سرمایه‌های جدیدی به داخل ایران جذب نخواهد شد، بلکه سرمایه‌ها فرار می‌کنند و یک وضعیت بلا تکلیف بوجود می‌آید. اینها اثرات کوتاه‌مدت و بلافاصله‌ای است که تاثیر این تحریم‌ها در اقتصاد ایران می‌گذارد، بخصوص که سیاست‌هایی را هم که دولت جدید در مورد مصالح اقتصادی اتخاذ کرده است، بشدت مورد نقد اقتصاددانان است و حتا اقتصاددانان جریان محافظه‌کار و هوادار دولت هم به این سیاست‌ها انتقاد دارند. اینها اثرات فوری است. اما در درازمدت قطعاً اثرات عمیق‌تر و مهم‌تر خواهد بود.

دوچهارم: حالا سوال آخر اینکه به نظر شما دیپلماسی صحیح در مورد مسئله‌ی اتمی چه هست؟ آیا ایران باید «تعلیق در برابر تعلیق» را بپذیرد؟

ابراهیم یزدی: ما در موارد مختلف به مناسبت‌ها و هم در بیانیه‌هایی که دادیم و هم بصورت مقالاتی که من شخصا نوشته‌ام، به این مطلب پرداخته‌ایم. به نظر ما هنوز هم دیر نیست که ایران بسته‌ی پیشنهادی ۱+۵ را با یک اصلاحاتی بپذیرد. این اصلاحات چند نوع است. اولی این است که چون قرار است یک باشگاه اتمی بوجود بیاید و تنها کشورهای اتمی عضو باشند، ایران با توجه به اینکه میلیاردها دلار در فناوری هسته‌ای سرمایه‌گذاری کرده است، ما پیشنهاد کردیم که آژانس بین‌المللی ایران را بعنوان یک کشور هسته‌ای بپذیرد تا هر نوع تغییراتی که در مقررات ام‌پی‌تی داده شد شامل ایران نشود. ما نگران این هستیم که در مورد تأسیسات اتمی ایران که در هر حال جزو سرمایه‌های ملی محسوب می‌شوند، سرنوشتی مشابه عراق پیدا کند که اسرائیلی‌ها آنها را بمباران کردند و از بین بردند، یا در اثر فشارها وضعیتی مثل لیبی بوجود بیاید یا مثل کره شمالی. همه اینها به نظر ما امکان‌ش هست. بنابراین راه منطقی این است که آژانس ایران را بعنوان یک قدرت اتمی بپذیرد و پس از اینکه این غنی‌سازی تعلیق شد، مذاکرات ادامه پیدا کرد و اطمینان‌های متقابل بوجود آمد، آن پیشنهادهایی که ایران داده است و ما از آن حمایت می‌کنیم مطرح شوند. اینکه یک کنسرسیوم بین‌المللی بیاید در غنی‌سازی ایران مشارکت بکند. البته در مورد بسته‌ی پیشنهاد ۱+۵ موارد دیگری را هم ما اضافه کرده‌ایم، ولی مهمترین مسئله‌اش این است که ما معتقدیم قبول بسته‌ی پیشنهادی ۱+۵ همچنان بهترین گزینه برای ایران است.